

بر اساس آخرین آمارهای مربوط به خشونت در کشور، میزان خشونت خانگی و خانوادگی در ایران در سال ۹۹ نسبت به سال ۹۷ چیزی در حدود ۲۶ درصد رشد داشته است، این در حالی است که خشونت‌های خانگی در بیشتر موارد زنان و کودکان را نشانه می‌گیرد، هر چند در موارد متعددی خشونت علیه مردان نیز گزارش شده است، البته افزایش میزان خشونت و قتل‌های خانوادگی فقط به کشور ما محدود نمی‌شود و در سایر کشورهای دنیا و حتی کشورهای پیشرفته نیز این قبیل قتل‌ها دیده می‌شوند و هر از چند گاهی به سوژه‌های خبری رسانه‌های مختلف دنیا تبدیل می‌شوند؛ چندی پیش نیز قتل بابک خرم‌دین کارگردان سینما توسط پدر و مادرش همگان را در بهت و حیرت فرو برد تا جایی که کارشناسان و متخصصان مرتبط با این حوزه در حال بررسی و چرایی این پدیده شوم در جامعه هستند. نشست‌ی در همین رابطه با عنوان قتل‌های خانوادگی و چالش‌های خانواده ایرانی با واکاوی ساختاری و بین‌رشته‌ای قتل بابک خرم‌دین با حضور جامعه‌شناسان و متخصصان اجتماعی و حقوقی در انجمن جامعه‌شناسی ایران برگزار شد که خلاصه‌ای از آن را می‌خوانید:

گزارشی از نشست قتل‌های خانوادگی و چالش‌های خانواده ایرانی

افزایش خشونت در گذر از سنت به مدرنیته



به گزارش «ایران»، **تقی آزادارمکی**، جامعه‌شناس، در این نشست با اشاره به اینکه در قتل بابک خرم‌دین اطلاعات زیادی در دست نداریم، گفت: ما دقیقاً نمی‌دانیم پشت این اتفاق چه بوده است، آنچه در رسانه‌ها مطرح شد، داده و موضوع درستی نداشت که بتوان به راحتی این پدیده را قضاوت کرد و نمی‌توان به طور خاص درباره آن بحث کرد، اما به‌طور عمومی، افزایش مستمر خشونت و تظاهر به قتل در ایران مسیری افزایشی را طی می‌کند و باید تحلیل شود. اگر یک مقدار تاریخی‌تر نگاه کنیم تصویری از جامعه و انسان داریم و تصویری که پیش می‌آید، مبتنی بر خون، قتل و کشته شدن است، ما مرگ را قابل دسترسی در زیست اجتماعی می‌دانیم، در جریان کرونا هم می‌بینیم که اضطراب‌ها جامعه را پیش می‌برند، توجه ما به زندگی توجهی ثانویه است، ما فهم تقدیرگراییانه داریم، اما با این همه مشکل اساسی فقدان نظام اجتماعی با بنیادهای حقوقی است که اصلاح‌گری در نظام حقوقی می‌تواند در کاهش این پدیده کمک‌کننده باشد. در عین حال تلاش مردمان ایرانی برای ورود به مدرنیته ضعیف است و ورود به عرصه جهان مدرن به‌طور مستمر در حال فرو ریختن است. ما امکان‌های حقوقی و مدنی برای گذشته در هم شده ناشناخته را ندانستیم.

به گفته این جامعه‌شناس، وقتی ابزارهای حقوقی و مدنی نباشد، همواره نظام خانوادگی و تنظیم روابط جنسی بر اراده شخصی افراد محوریت دارد و آن هم بر اساس خشونت شکل می‌گیرد. به اعتقاد من، تمامی قصه این است که همه قتل‌ها و مشاهده نحوه خشونت در آنها به دلیل انتقال جامعه از سنت به مدرنیته است. انتقال جامعه از سنت به مدرنیته رقیب دارد که اولی بر اساس نزاع و دومی بر اساس صلح و زندگی است، در این میان عنصر فضای مجازی نیز این گفتمان را عام کرده است و این امر به متغیرهای فرهنگی، اجتماعی و تاریخی بازمی‌گردد.



■ **کاهش آمار خشونت با اصلاح قوانین**
کامبیز نوروزی حقوقدان نیز با بیان اینکه این بحث محصول الگوی

واکنشی افراد جامعه است، بیان کرد: وقتی فرد در یک محیط اجتماعی قرار می‌گیرد، برابر هر کنشی، واکنشی دارد. جرم در ارتباط است که تولید می‌شود، بنابراین آنچه در جامعه می‌گذرد به اشکال مختلف بر ما اثر می‌گذارد، به بیان ساده هر اندازه یک فقدان فهم مشترک متدولوژیک دارد، اقتصاد و فرهنگی بیشتر باشد، رفتار ما در واکنش به این شرایط غیرقابل پیش‌بینی‌تر می‌شود، بنابراین در هر زمینه و هر گروه با جرایم غیر از جرایمی که مربوط به اختلالات روانشناختی هستند، در قتل‌های خانوادگی و انواع خشونت‌های خانوادگی نیز

همین قواعد حاکم است. نظام اجتماعی به دلیل بحران‌های اقتصادی و بحران‌های اجتماعی، تناقض‌های مختلف و گسترده اخلاقی و ارزشی انسان‌ها را در شرایط ناپایدار قرار می‌دهد و آنها را آسیب‌پذیر می‌کند. اکثر ما تلاش می‌کنیم در پاسخ به این بحران‌ها انتخاب‌های اخلاقی و قانونی داشته باشیم اما ممکن است برخی افراد در معرض انتخاب جرم قرار بگیرند و آستانه تحمل پایینی داشته باشند. در رفتارهای خشونت‌آمیز نزدیک‌ترین افراد در موقعیت بحرانی‌تر و خطرناک‌تری هستند و به‌طور طبیعی و کلاسیک ممکن است به دلیل سلطه‌ای که بر آنها وجود دارد، در معرض خطر باشند به‌عنوان مثال سلطه همسران، والدین یا معشوق سبب می‌شود که آنها احساس امنیت نسبت به موقعیت می‌تواند بحران‌ساز باشد.

به گفته نوروزی، مسأله این است که افزایش جرایم خانوادگی و خشونت خانگی در ایران در کنار افزایش سایر جرایم قرار دارد. جرم قتل یا سرقت و جرایم دیگر همگی باهم روند افزایشی دارند، اگرچه با کمال تأسف نهادهای مسئول قضایی از انتشار آمار جرایم خودداری می‌کند و دست و پال ما را از تحلیل جرایم بسته است، از سویی دیگر در سیاست‌های اقتصادی وقتی نرخ ارز جابه‌جا می‌شود در قسری از ثانیه درصد زیادی از افراد فقیرتر می‌شوند. از ابعاد دیگر هم می‌توان این پدیده را تحلیل کرد

به‌عنوان مثال ما می‌بینیم که دنیای فیلم و سریال‌های ایرانی خالی از مفهوم شوق هستند و فی‌نفسه می‌توانند جرم را باشند، این مواردی که یاد شد می‌توانند میزان اثرگذاری قوانین در بازدارندگی را نیز کاهش دهند، از طرفی موقعیت‌های مجرمانه در ایران نیز افزایش پیدا کرده است. در کنار این موارد مشکلی جدی‌تر نیز وجود دارد و آن هم از بین رفتن مرجعیت رسانه است، یکی از کارکردهای مهم رسانه‌های حرفه‌ای ایجاد نوعی اشتراک در بین افکار عمومی است، اما در حال حاضر پلتفرم‌های موجود در اینترنت سبب اغتشاش ذهن جامعه می‌شوند، در عین حال هر چند جرایم خرد احتمال وقوع بیشتری دارند اما ضریب احتمال تکرار برپونده‌هایی مثل خفافش شب، بیجه یا بابک‌خرمدین بسیار کم است و نمی‌توان آن را شاخص وضعیت خانواده در ایران تلقی کرد با این همه به اعتقاد من باز هم باید اصلاح قوانین صورت گیرد.



■ **با نقصان نبود اطلاعات کافی روبه‌رو هستیم**
حسین سراج‌زاده، جامعه‌شناس نیز با

بیان اینکه به چند نکته در این قتل فوجیع باید توجه شود، در این نشست، گفت: در وهله اول باید توجه کنیم در فضایی که کاملاً مجازی شده هستیم و فعالیت رسانه‌ها بسیار گسترده شده، بنابراین چنین رویدادهایی با دامنه‌های بالا بازتاب پیدا می‌کند، یکی از دلایلی که قتل بابک خرم‌دین یا رومینا بازتاب پیدا کرد، به خاطر بی سابقه بودن،

وقتی ابزارهای حقوقی و مدنی نباشد، همواره نظام خانوادگی و تنظیم روابط جنسی بر اراده شخصی افراد محوریت دارد و آن هم بر اساس خشونت شکل می‌گیرد. به اعتقاد من، تمامی قصه این است که همه قتل‌ها و مشاهده نحوه خشونت در آنها به دلیل انتقال جامعه از سنت به مدرنیته است. ما فقدان فهم مشترک متدولوژیک داریم، جامعه ایرانی دو گفتمان رقیب دارد که اولی بر اساس نزاع و دومی بر اساس صلح و زندگی است، در این میان عنصر فضای مجازی نیز این گفتمان را عام کرده است و این امر به متغیرهای فرهنگی، اجتماعی و تاریخی بازمی‌گردد.

نبوده بلکه به خاطر گسترش فضای رسانه‌ای و سرعت بازتاب بالای خبری آن بود، در قتل بابک خرم‌دین شاهد بودیم که قتل درون خانواده به‌صورت فجیع اتفاق افتاد و قاتلان می‌خواستند، جنایت را پنهان کنند که در نهایت موفق نشدند، این قتل می‌تواند مصداق قتل‌های بسیار خشنی باشد که قبل از انقلاب هم به وقوع می‌پیوستند، می‌بینیم که در کشورهای مختلف دنیا هم وجود دارد، به‌نظر می‌رسد در این موارد نباید عنصر و



دکتر فیهیم نظری
مدرس و پژوهشگر مسائل اجتماعی

قتل نفس یکی از پدیده‌های مشترکی است که در تمام زمان‌ها و در تمام جوامع وجود داشته است. قتل‌ها به هر علتی که باشند ریشه در خشونت دارند و بروز هرنوعی از آن وجدان عمومی جامعه را جریحه دار می‌کند. قتل‌های رسمی را می‌توان به ۲ دسته تقسیم نمود: نخست - قتل‌های عقابانی، طراحی شده، تعمدی، جنایی و با قصد قبلی مانند: قتل‌هایی که تروریست‌ها انجام می‌دهند. دوم - قتل در حالت احساسات، خشم و کینه شدید یا کشتن در نتیجه عملی که به قصد آسیب و صدمه انجام می‌گیرد بدون اینکه نیت و قصد معینی برای کشتن وجود داشته باشد؛ مانند اغلب همسرکشی‌ها. اگر هریک از جرایم (نظیر مسائل جنسی، سرقت و...) نسبت به زمان و مکان جغرافیایی تغییر مفهومی یا معنایی پیدا کرده‌اند اما مفهوم قتل در گذر زمان تغییر نکرده است و همیشه نزد افراد جامعه امری مذموم و قبیح و البته به‌عنوان جرم شناخته شده است.

آنچه مهم است اینکه خشونت شدید یکی از عوامل مهم در ارتکاب به قتل شناخته شده است. مطابق با اسناد و گزارش‌های موجود، بیشترین قتل‌ها در ایران به دلایل مسائل ناموسی و اختلافات مالی رخ می‌دهند. نکته مهم در قتل‌های ناموسی این است که بیشتر آنها از نوع عمدی است و قاتل بدون در نظر گرفتن عواقب آن مرتکب چنین جرمی می‌شود.

در کنار قتل‌های ناموسی، نوع دیگری از قتل‌ها وجود دارند که در سال‌های اخیر از فراوانی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است که در آن والدین دست به قتل فرزند خود می‌زنند یا فرزندان در قتل والدین خود دخیل هستند.

صرف نظر از فراوانی این نوع از قتل‌ها در ایران، شناختن علل و عوامل قتل‌ها بسیار مهم است که می‌توان به برخی از این علل اشاره کرد: اگر خشم‌ها زمینه بروز قتل می‌شوند، علل خشم‌ها نیز ناکامی‌ها می‌باشد. ناکامی‌ها یکی از مهم‌ترین علل پرخاشگری هستند. در واقع پرخاشگری تنها یکی از چند واکنش احتمالی در قبال تجربه ناکامی ناخواسته است. پرخاشگری واکنشی غیرغریزی است و در نتیجه تأثیر پیامدهای پیش‌بینی پذیر رفتار قرار دارد.

بحث مهم دیگر، اینکه وقتی خشونت در رفتارهای افراد جامعه وجود دارد پس خشونت و پرخاشگری رفتاری آموختنی می‌شود و افراد در محیط خانواده و جامعه آن را می‌آموزند. به نظر می‌رسد در این بین نهاد مدرسه و نهاد رسانه در بروز خشم و عدم رفع آن بایست پاسخگو باشند.

پرخاشگری و خشونت رفتار، کنشی اجتماعی است که از طریق فرایندهای

من، قوه قضائیه باید اجازه دهد تا ورود کارشناسان فراهم شود. لازم است تیمی از جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و روانشناسان ورود کنند و اطلاعات سطح میانی خانواده‌ها به‌دست آورند و بدانند که از حیث اجتماعی و انزوازی اجتماعی این قبیل خانواده‌ها در چه شرایطی قرار داشتند.

به گفته او، در سطح کلان درست نمی‌دانم که بیابیم چنین قتل‌هایی را به جامعه ایرانی و خانواده ایرانی تعمیم دهیم، البته از دهه ۴۰ تا به امروز این جنایات روند افزایشی داشتند و در سال‌های اخیر این میزان بیشتر هم شده است، اما مسأله دیگر این است که آیا در مقایسه با جوامع دیگر وضعیت بحرانی‌تری داریم؟ به‌نظر من این گونه نیست، در شرایطی نیستیم که بگوییم همه چیز فروپاشیده و خانواده ایرانی دچار بحران شده‌ام در شرایط و وضعیتی طی کنیم و همچنان در حال تکاپو در خروج از این وضعیت هستیم، شرایط ساختاری به گونه‌ای است که ما در سیستم سنتی، روش‌های مسالمت‌آمیز حل اختلاف را داشتیم اما حالا به شرایطی وارد شدیم که ساختار پدرسالارانه به هم ریخته و ساختار

جدیدی هم جایگزین نشده است. ما به کوشش‌های مدنی و خردمندی بیشتری نیاز داریم و در عین حال هم نباید تعمیم‌های کلان دهیم. آشنا شدن با الگوهای مسالمت‌آمیز حل اختلاف در جامعه ایرانی در حال حرکت است اما هنوز در سپهر سیاسی به رسمیت شناخته نشده است.



■ **هر روز شاهد خشونت در جامعه هستیم**
محمد مهدی صابری،

استاد دانشگاه، روانپزشک و عضو هیأت علمی سازمان پزشکی قانونی با اشاره به این که وقتی موضوع قتل بابک خرم‌دین در جامعه رسانه‌ای مطرح شد، بحث‌های زیادی پیش آمد، در این نشست، گفت: یکی از بحث‌هایی که مطرح شد، این بود که اختلالات روانی وجود داشته و در حدی بوده که می‌شد گفت بیماری شدید روانی مطرح بوده است، بسیاری هم به‌زعم خود به موضوع نگاه کردند، بسیاری روانپزشکان، بحث اختلالات روانی عمیق را مطرح کردند. روانشناسان از دیدگاه خود و جامعه‌شناسان از نگاه خود این مقوله را بررسی کردند. در بیشتر مواقع یک عامل روانی عمیق و شدید

در بروز چنین مواردی مطرح است، اما در کنار آن، مسائل دیگری هم وجود دارد. با نگاهی از بعد جامعه‌شناختی باید دید چرا خشونت در جامعه افزایش پیدا کرده؟ همه می‌دانند که آمار خشونت بالا رفته است، ما خشونت را در برخورد‌های معمول زندگی هر روز می‌بینیم، ولی آن‌قدر زیاد شده که از کنار برخی بی‌توجه می‌گذریم، در ترافیک، معاملات و مناسبات اجتماعی روزی نیست که شاهد خشونت نباشیم و افرادی که با پرخاشگری یا یکدیگر صحبت می‌کنند، نبینیم، حتی به خاطر جای پارک ممکن است، نزاعی خیابانی ایجاد شود و بقیه مردم هم از مشاهده آن لذت می‌برند. چه چیزی باعث می‌شود، پرخاشگری در جامعه زیاد شود؟ مهم‌تر از همه جو اقتصادی است، همه افراد به‌دلیل امنیت اقتصادی هستند. وقتی جو اقتصادی به‌هم‌ریخته باشد، عدم امنیت ایجاد شده و خشونت افزایش می‌یابد. آنچه ما به‌عنوان نسل گذشته به جوانان آموختیم، به وقوع نپیوسته، وقتی آنها تعارضات را در جامعه می‌بینند، سرخورده و دل‌زده می‌شوند. جوانان به جوی برای شادی و تخلیه انرژی خود نیاز دارند. در کنار همه اینها آبرو و حیثیت اجتماعی پررنگ شده و باعث می‌شود، جوانان از بزرگ‌تراها جدا شوند. در همین پرورده قتل بابک خرم‌دین، کارگردان توسط پدرش، یک نوع گسستگی اخلاقی بین پدر و مادر و فرزندان بروز کرده و باعث شده هیچ کدام طرف مقابل را درک نکنند و مجازاتی مانند مرگ در انتظار فرزندان باشد. می‌توانیم بگوییم که به نوعی مدرنیته معلق ایجاد شده است و در نهایت هم جوانان سرخورده شده‌اند. گذر از سنت به سمت مدرنیته با این حجم از تلاطم و مشکلات و چالش‌های زیاد نباید همراه باشد.

به گفته صابری، در دیدگاه روانشناسی، اختلالات روانی ناشی از استرس به‌صورت زمینه‌ای است؛ ازجمله عوامل استرس‌زا می‌تواند بیکاری باشد، زیرا شخص را از ریل منظم زندگی خود خارج می‌کند، مشکلات اقتصادی و ناتوانی جوانان در تشکیل زندگی مشترک نیز از جمله عوامل استرس‌زا هستند. این عوامل می‌توانند سبب تبعیض‌های طبقاتی و اجتماعی و به تبع آن، افزایش نسبت خشونت خطر‌ساز شوند. عوامل بیرونی خطر‌ساز، جامعه را ملتهب می‌کند و استرس و فشار را افزایش می‌دهد. به اعتقاد من، مسئولان حکومت و دستگاه‌های اجرایی و صداوسیما باید به فکر باشند، تا شادی و رفاه بیشتری برای مردم رقم زده شود.

بسیاری از سریال‌های تلویزیون، جنبه‌ها و مایه‌های خشونت دارند که در ذهن جوانان تأثیر می‌گذارد. این سؤال را باید بررسییم که چقدر کتاب‌هایی که دارای سیاه‌نامی هستند، در طول سال چاپ می‌شوند و در نهایت هم جوانی که با مهر و محبت آشنا نشده برای رهایی از مشکلات خود به خشونت روی می‌آورد. موضوع فقط یک پرورده نیست و این پرورده به هر ترتیب بسته می‌شود، مسأله باید به‌صورت ریشه‌ای حل شود و جلوی افزایش آمار چنین ریشه‌هایی گرفته شود.